

دو فصلنامه طب جنوب

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر

سال ششم، شماره ۱، صفحه ۱۹-۱۴ (شهریور ۱۳۸۲)

بررسی ریشه ها و نحوه توزیع عصب اوبتوراتور در خارج از عضلات

محمد علی زارع^{۱*}، دکتر محمد اکبری^۲، دکتر محمد بربرستانی^۳، حمید رضا غفاریان شیرازی^۴

کارشناس ارشد گروه آناتومی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

^۲دانشیار گروه آناتومی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

^۳استادیار گروه آناتومی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

^۴کارشناس ارشد آمار زیستی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

چکیده:

دانستن موقعیت و الگوی شاخه دادن عصب اوبتوراتور در جراحیهای ترمیمی و توانبخشی که بر روی عضلات انجام می پذیرد، اهمیت پیدا می کند. در مطالعه حاضر ۶۴ نمونه از جسد های فیکس شده انسانی موجود در دانشگاههای علوم پزشکی تهران و بوشهر جهت مطالعه عصب اوبتوراتور مورد بررسی قرار گرفتند. هدف از این تحقیق بررسی مسیر و شاخه های عصب اوبتوراتور می باشد. بعد از تشریح جدار خلفی شکم و سطح داخلی ران، عصب اوبتوراتور مورد بررسی قرار داده شد. عصب اوبتوراتور در تمام موارد از ریشه های قدامی اعصاب کمری دوم تا چهارم منشأ می گرفت و در مجرای اوبتوراتور به دو شاخه قدامی و خلفی تقسیم می شد. شاخه قدامی در تمام موارد از بالای عضله اوبتوراتور خارجی لگن را ترک می کرد. این شاخه در ۳/۱۲٪ یک شاخه ظریف مستقل به ثلث فوقانی داخلی ران می داد. تنه خلفی عصب اوبتوراتور در ۳/۱۲٪ مورد از بالای عضله اوبتوراتور خارجی لگن را ترک نموده و در ۹۶/۸۸٪ مورد از ضخامت عضله اوبتوراتور خارجی عبور می کرد. شاخه مفصلی زانو در ۸۲/۸٪ انتهای دیستال عضله نزدیک کننده بزرگ را سوراخ می کرده و در ۱۷/۲٪ همراه با شریان رانی از کانال هانتر عبور و وارد حفره پوپلیتال می شد. بنا براین نتایج مربوط به ریشه های عصب اوبتوراتور همسان بانیچ حاصل از تحقیق دیگر پژوهشگران می باشد، اما در مورد نحوه عصب گیری عضله اکتور برویس با یافته های پژوهشهای دیگر همخوانی ندارد و این عضله فقط از شاخه قدامی عصب اوبتوراتور عصب گیری می کند.

واژگان کلیدی: عصب اوبتوراتور، عضلات نزدیک کننده ران، جراحی ترمیمی، آناتومی

*آدرس: بوشهر، خیابان معلم، دانشگاه علوم پزشکی، دانشکده پزشکی، گروه آناتومی، تلفن: ۰۷۷۱-۲۵۲۸۵۸۷، ص.ب: ۳۶۳۱

مقدمه :

در مقایسه با سابقه طولانی علم تشریح ، بررسی های انجام شده بر روی مسیر و نحوه توزیع رشته های عصبی ، خصوصا" در اندامها، عمر کوتاهی داشته و در این زمینه تحقیق چندانی صورت نگرفته است؛ اندک تحقیقی هم که طی سالهای اخیر انجام شده اکثرا" مربوط به تحقیق در جوامع خارجی می باشد (۱) .

با توجه به وجود اختلافات نژادی در جوامع مختلف، تحقیق بیشتری در مورد الگوهای عصبی جامعه ما که تا کنون چنین تحقیقی در آن انجام نشده است می تواند باعث روشن شدن نکات جدیدی در مورد نحوه توزیع رشته های عصبی گردد و نا یافته های علم تشریح را که یکی از اساسی ترین علوم پایه می باشد آشکار سازد. در کتب مربوط به آناتومی، اگر چه مسیر و نحوه توزیع شاخه های اصلی را مورد بررسی قرار داده اند ولی آن را بصورت ناقص مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند و کمتر به جزئیات پرداخته اند (۲-۳). از طرف دیگر، اگر چه بافت شناسی به مطالعه ساختمان رشته های عصبی و الیاف عضلانی پرداخته و نحوه ارتباط این دو را بیان کرده است ولی به علت موضعی بودن آن نمیتواند نمای کلی و کاملی از مسیر عصب ارائه نماید (۴).

با توجه به مطالب فوق الذکر، می توان نتیجه گرفت که تنها از طریق تشریح رشته های عصبی از ابتدا تا جایی که وارد بافتهای مختلف از جمله عضله میشوند و همچنین تشریح آنها در داخل عضله و با استفاده از وسیله ای که بتواند بزرگنمایی را بیشتر از حد عادی نشان دهد می توان مسیر و تعداد شاخه های رشته های عصبی را در خارج و داخل عضلات مشخص کرد.

از آنجائیکه علوم پایه به عنوان پایه و اساس علوم بالینی می باشد، تعیین الگوی توزیع رشته های عصبی جهت حل بسیاری از مسائل و مشکلات بالینی دارای اهمیت خاصی است. با توجه به این که عصب اوبتوراتور عصب دهی عضلات

گروه داخلی ران را به عهده دارد و بر روی این عضلات جراحیهای ترمیمی و توانبخشی صورت می گیرد (۵-۷) و همچنین جهت کاهش اسپاسم عضلانی ناشی از ضایعات مغزی بر روی این عصب جراحیهای گوناگون انجام می شود (۸-۹) درک دقیق از نحوه توزیع این عصب می تواند باعث بالا رفتن میزان موفقیت اعمال جراحی شود.

با توجه به مطالب فوق و عدم کار بر روی عصب اوبتوراتور و اوبتوراتور فرعی، با بررسی وسیع و دقیق این اعصاب علاوه بر اینکه می توان طرح مشخصی برای توزیع عصب ارائه کرد، می توان تعداد شاخه های حرکتی و پوستی آنرا بطور کامل تعیین کرد.

ما در این پژوهش ، به یافته های بررسی ریشه ها و نحوه توزیع عصب اوبتوراتور در خارج از عضلات خواهیم پرداخت.

مواد و روش کار:

جامعه تحقیق مورد استفاده در این پروژه عبارت بوده است از اجساد موجود در گروه های آناتومی دانشگاه علوم پزشکی تهران و علوم پزشکی بوشهر؛ (کلیه اجساد مذکر و ایرانی بوده اند.

برای انجام تحقیق ، ۶۴ نمونه از جسد های موجود در گروه های آناتومی دانشگاه علوم پزشکی تهران و علوم پزشکی بوشهر با دقت و به دو صورت ماکروسکوپی و با استفاده از استریومیکروسکوپ تشریح شده اند و نتایج حاصله با دقت ثبت گردیده است . برای این کار بعد از باز کردن جدار قدامی شکم به روش گرانت و کانینگهام ، صفات جدار خلفی شکم و ناحیه لگن را با استفاده از دو پنست برداشته وبا مشخص کردن شبکه کمری ، شاخه های آن یکایک بررسی شدند. عصب اوبتوراتور در مثلث خاجی کمری مشخص شد و با دقت بطرف لگن تا مجرای اوبتوراتور تشریح شده و مسیر آن مشخص گردید.

اوتورتور) از آن جدا میگردد و در ۴۰/۶٪ (۲۶ مورد) بعد از عبور از عضله اوتورتور خارجی از آن جدا میگردد.

شاخه قدامی عصب اوتورتور در ۱/۵۶٪ (۱ مورد) یک شاخه ظریف به عضله پکتینئوس داده و سپس تقسیم می شود و در ۹۸/۴۴٪ (۶۳ مورد) بدون اینکه به عضله شانه ای شاخه ای بدهد تقسیمات خود را انجام میدهد. در ۹۸/۴۴٪ (۶۳ مورد) از این عصب شاخه ای به شبکه ساب سارتریوس می رود.

در ۳۹/۷٪ (۲۵ مورد) شاخه قدامی ابتدا شاخه ای به عضله نزدیک کننده کوچک داده و سپس به ۳ شاخه تقسیم میشود که به عضله نزدیک کننده دراز، عضله گراسیلیس و شبکه ساب سارتریوس میروند که تحت عنوان گروه A نامگذاری گردیده است و در ۱۵/۶۲٪ (۱۰ مورد) ابتدا یک شاخه به عضله نزدیک کننده کوچک داده و سپس به دو شاخه تقسیم میشود که یک شاخه آن مربوط به عضله نزدیک کننده دراز بود که از آن شاخه ای جدا شده به شبکه ساب سارتریوس می رود شاخه دوم به عضله گراسیلیس می رود؛ این گروه تحت عنوان گروه B نامگذاری گردیده است. در ۴۵/۳۱٪ (۲۹ مورد) شاخه قدامی در زیر عضله شانه ای به چهار شاخه تقسیم میشود که دو شاخه به عضله نزدیک کننده دراز رفته و به عضلات نزدیک کننده کوچک و گراسیلیس هر کدام یک شاخه می رود؛ این گروه به نام گروه C نام گذاری گردید (جدول ۱).

در گروه C شاخه مربوط به شبکه ساب سارتریوس در ۶۸/۵۹٪ (۲۰ مورد) از شاخه های مربوط به عضله نزدیک کننده دراز منشا می گیرد که بنام زیر گروه G₁ شناخته شده است و در ۲۷/۶٪ (۸ مورد) از شاخه مربوط به عضله گراسیلیس منشا می گیرد که بنام زیر گروه C2 شناخته شده است و در ۳/۴۵٪ (۱ مورد) شاخه مربوط به ساب سارتریوس وجود ندارد که بنام زیر گروه G₃ شناخته شد (جدول ۱).

در مرحله بعد عضله پسواس ماژور و در صورت وجود عضله پسواس مینور را با استفاده از پنست بصورت رشته رشته از مهره های کمری جدا کرده و بر می داشتیم و ریشه های عصب اوتورتور را مشخص می کردیم. در ادامه برای یافتن عصب اوتورتور در سطح داخلی ران، پوست قدام و داخل ران را به روش گرانت و کانینگهام برداشته و با کنار زدن فاسیای سطحی شاخه های جلدی احتمالی عصب اوتورتور را مشخص می کردیم. پس از کنار زدن فاسیای عمقی عضله نزدیک کننده دراز را از محل چسبندگی اش به استخوان پویس جدا کرده و در عمق آن شاخه قدامی عصب اوتورتور را مشخص و بررسی می کردیم. پس از مشخص کردن شاخه های مختلف آنها را با نخ و پلاکهای مقوایی سفید رنگ (که با مداد مشکی مشخصات لازم بر روی آنها درج شده بود) علامت گذاری می کردیم. با جدا کردن عضله نزدیک کننده کوچک از استخوان پویس شاخه خلفی عصب را مشخص و به همین ترتیب شاخه های آن مشخص گردید.

نتایج :

در تمام موارد ، عصب اوتورتور از ریشه های قدامی اعصاب کمری دوم، سوم و چهارم منشاء می گیرد و پس از طی ضخامت عضله پسواس ماژور از کنار داخلی عضله خارج شده و وارد لگن می گردد. سپس بر روی عضله اوتورتور داخلی طی مسیر کرده و وارد مجرای اوتورتور می گردد.

عصب در مجرای اوتورتور و قبل از رسیدن به عضله اوتورتور خارجی به دو شاخه قدامی و خلفی تقسیم میشود.

شاخه قدامی عصب اوتورتور در تمام موارد تشریح شده از بالای عضله اوتورتور خارجی لگن را ترک کرده وارد ناحیه ران می شود و در عمق عضله پکتینئوس قرار می گیرد.

شاخه مفصلی هیپ در ۵۹/۴٪ (۳۸ مورد) قبل از اینکه شاخه قدامی از عضله اوتورتور خارجی عبور کند (در مجرای

C					
	C3	C2	C1	B	A
تعداد	۲۰	۸	۱	۱۰	۲۵
درصد	۳۱/۲	۱۲/۵	۱/۶	۱۵/۶	۳۹/۱

جدول ۱: الگوی توزیع شاخه قدامی عصب اوبتوراتور در ران و نحوه جدا شدن شاخه ساب سارتریوس.

A: به ادکتور برویس شاخه داده سپس به سه شاخه تقسیم شده است ..

B: به ادکتور برویس شاخه داده سپس به دو شاخه تقسیم شده است .

C: به چهار شاخه تقسیم شده است .

C1: شاخه ساب سارتریوس از عصب عضله اداکتور لونگوس جدا می شود .

C2: شاخه ساب سارتریوس از عصب عضله گراسیلیس جدا می شود .

C3: شاخه ساب سارتریوس وجود ندارد .

مربوط به مفصل زانو بوده و بقیه مربوط به عضله نزدیک کننده بزرگ می باشد.

این عصب در حد فاصل یک سوم داخلی و دو سوم خارجی عضله به طرف انتهای دیستال عضله نزول کرده و در عضله توزیع می گردد. در تمام موارد از کنار خارجی قسمت ابتدائی عصب دو شاخه جدا می شود که ضمن ارتباط با یکدیگر یک پنجم پروگزیمال عضله (قسمت عرضی) را عصب می دهند.

در حد فاصل یک چهارم پروگزیمال و سه چهارم دیستال مجدداً از کنار خارجی عصب شاخه ائی جدا می گردد که پس از تقسیم به دو شاخه ثانوی، الیاف عمقی قسمت مرکزی عضله را عصب می دهد . بقیه تنه عصب در حد فاصل ثلث فوقانی و میانی وارد عضله می گردد .

شاخه مربوط به مفصل زانو در ۸۲/۸٪ (۵۳ مورد) انتهای دیستال عضله را سوراخ می کند و وارد حفره پوپلیتال می گردد و در ۱۷/۲٪ (۱۱ مورد) همراه با شریان رانی از کانال هانتز عبور کرده وارد حفره پوپلیتال می گردد. در هر دو گروه عصب در حفره پوپلیتال بر روی شریان پوپلیتال نزول کرده و در خلف زانو لیگامان خلفی زانو، را سوراخ کرده وارد کپسول مفصلی زانو می گردد.

در ۳/۱۲٪ (۲ مورد) از کل مورد تشریح شده از شاخه عصبی مربوط به عضله گراسیلیس شاخه ای جدا میشود که بعد از عبور از حد فاصل ثلث فوقانی و ثلث میانی کنار قدامی عضله گراسیلیس در پوست ثلث فوقانی سطح داخلی ران پخش میشود که یک مورد آن مربوط به نمونه ای است که عصب اوبتوراتور به شبکه ساب سارتریوس شاخه ای نمی دهد. در ۹۶/۸۸٪ (۶۲ مورد) چنین شاخه ای وجود نداشت و پوست داخل ران فقط توسط شبکه ساب سارتریوس عصب دهی می شود .

شاخه خلفی عصب اوبتوراتور در ۳/۱۲٪ (۲ مورد) همراه با شاخه قدامی از بالای عضله اوبتوراتور خارجی عبور کرده و وارد ران می گردد و در ۹۶/۸۸٪ (۶۲ مورد) عضله اوبتوراتور خارجی را سوراخ می کند و وارد ران می شود. این شاخه حین عبور از عضله اوبتوراتور خارجی دو شاخه به آن می دهد . یک شاخه خلفی که در مجرای اوبتوراتور از آن جدا می گردد و یک شاخه قدامی که در جلو عضله اوبتوراتور خارجی از آن جدا شده وارد عضله می گردد .

شاخه خلفی عصب اوبتوراتور بعد از خارج شدن از لگن بر روی عضله نزدیک کننده بزرگ قرار گرفته و به شاخه های انتهایی خود تقسیم میشود. که یکی از این شاخه ها

بحث :

مراجع معتبرآناتومی در مورد ریشه های عصب اوبتوراتور بیان می کنند که این عصب از شاخه های قدامی ریشه های شکمی اعصاب دوم، سوم و چهارم کمری منشأ می گیرد (۱۰-۱۱).

میورا و همکاران گزارش کرده اند از ۲۳ جسد تشریح شده در دو مورد عصب اوبتوراتور از ریشه های اول تا چهارم کمری شاخه دریافت می کنند و در ۲۱ مورد از ریشه های دوم تا چهارم کمری منشأ می گیرند (۱۳).

میورا و همکاران بیان می کنند که شاخه خلفی عصب اوبتوراتور خارجی در ۷۸/۳٪ از بین الیاف عضله اوبتوراتور خارجی عبور می کند و در ۱۷/۷٪ از بالای عضله عبور کرده است (۱۳).

در تحقیق حاضر شاخه خلفی عصب اوبتوراتور در ۹۶/۹٪ از بالای الیاف عضله اوبتوراتور خارجی و در ۳/۱٪ از بالای عضله عبور می کند.

میورا و همکاران طی تحقیقی که بر روی نحوه عصب گیری عضله نزدیک کننده کوچک انجام دادند اعلام کردند که در ۲۳٪ موارد این عضله عصب گیری دو گانه دارد و از شاخه قدامی و خلفی عصب اوبتوراتور شاخه عصبی دریافت می کند (۱۳).

مک مین بیان می کند کمی بالاتر از شاخه مربوط به شبکه ساب سارتوریوس از شاخه قدامی عصب اوبتوراتور اغلب شاخه ای جدا میشود که مستقیماً به پوست ران می رود (۱۴). در تحقیق حاضر نیز وجود چنین شاخه ای گزارش شده است.

برین بام و همکاران عصب گیری حسی مفصل ران را مورد مطالعه قرار داده اند و بیان کرده اند عصب اوبتوراتور شاخه های حسی به قسمت قدامی داخلی مفصل ران می دهد و برای بلوکه کردن عصب دهی مفصل ران می بایست علاوه بر عصب فمورال و سیاتیک، عصب اوبتوراتور نیز بلوکه کرد (۱۵).

وجود درد عصب اوبتوراتور در یک مورد حاملگی نابجا گزارش شده است که طی یک حاملگی لوله ای علاوه بر درد در ناحیه تحتانی شکم و خونریزی واژینال درد در نواحی توزیع ریشه های حسی عصب اوبتوراتور گزارش گردیده است (۱۶). این موضوع اهمیت شناخت نواحی که توسط شاخه های پوستی عصب اوبتوراتور عصب دهی می شوند را بیان می کند.

لاکسینیار به بیان اشکال در نوعی روش بیحسی تحت عنوان Three in one پرداخته و بیان نموده است که در این روش بی حسی در نواحی عصب دهی پوستی عصب اوبتوراتور کم است. وی به نحوه توزیع شاخه های عصب اوبتوراتور پرداخته و بیان نموده برای بی حس کردن شاخه های پوستی عصب اوبتوراتور می بایست ماده بی حس کننده را در اطراف عصب اوبتوراتور تزریق کرد (۱۷).

هاروی و بل، مسیر خارج لگنی شاخه قدامی عصب اوبتوراتور و ارتباط آن با فاسیاهای عضلات اداکتور را بررسی کرده اند و علت ایجاد درد در نوروپاتی های عصب اوبتوراتور را گیر کردن این عصب در فاسیا ها بیان نموده و شناخت مسیر و مجاورات عصب را در جراحیهای نوروپاتی های عصب اوبتوراتور را ضروری می دانند (۱۸). در مورد ریشه های عصب اوبتوراتور تحقیق حاضر یافته های محققین قبلی را تأیید می کند.

در مورد نحوه عبور شاخه خلفی عصب اوبتوراتور از عضله اوبتوراتور خارجی، نتایج حاصل از این تحقیق با تحقیقات گذشته کمی تغییر داشته است.

در مورد عصب گیری عضله اداکتور برویس، تحقیقات گذشته عصب گیری دوگانه برای این عضله بیان کرده اند ولی در این تحقیق در تمام موارد این عضله فقط توسط شاخه قدامی عصب دهی شده است.

در مورد عصب گیری پوست سطح داخلی ران نتایج حاصل از این تحقیق با نتایج تحقیقات مک مین

همخوانی داشته ولی فراوانی عصب گیری مستقیم پوست سطح

داخلی ران در این تحقیق کمتر می باشد .

References :

1. Homma T, sakai T . Ramification pattern of intermetacarpal branches of the deep branch of the ulnar nerve in the human hand. *Acta Anat* 1991;141:132.
۲. امیر صدقی ر، تعیین الگوی انشعاب شاخه راجعه عصب مدین در عضلات تنار، پایان نامه کارشناسی ارشد آناتومی، دانشکده پزشکی ، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۷۶.
۳. راگردی کاشانی ا، بررسی نحوه توزیع عصب عضله راست شکمی ، پایان نامه کارشناسی ارشد آناتومی، دانشکده پزشکی ، دانشگاه علوم پزشکی تهران ، ۱۳۷۵.
4. Wu BL, Sanders I. A technique for demonstrating the nerve supply of whole larynges. *Arch Otolaryngol Head Neck Surg* 1992;118:822-827.
5. Gorensein L, Boyd JB, Ross TM. Gracilis muscle repair of rectovaginal fistula after restorative proctocolectomy. *Dis Colon Rectum* 1988;31:730-734.
6. Fleischman J, Picha G. Abdominal approach for gracilis muscle interposition and repair of recurrent vesicovaginal fistulas. *J Urol* 1988;140:552-4 .
7. Bell JG, Weiser EB, Metz P, et al. Gracilis muscle repair of perineal hernia following pelvic exentration. *Obstet Gynecol* 1980; 56:377-380 .
8. Haftek I. Clinical and electeromyographic evaluation of obturator neurectomy in severe spasticity. *Paraplegia* 1987; 25:394-6 .
9. Sharma S, Mishra KS, Dutta A, et al. Intrapelvic obturator neurectomy in cerebral palsy. *Indian J Pediatr* 1989;56:259-65.
10. William PL, Warwick R, Dyson M, et al. Gray's anatomy, 38th ed, UK:Churchil Livingstone, 1989, 290.
11. Snell RS. Clinical anatomy for medical student , 4th edit, 1992, 210.
12. Romanes GJ. Cuningham's textbook of anatomy, 12th ed, U.S.A:Oxford Medical Publication, 1981, 353.
13. Miura M., Nakamura E, Kato S, et al . The true nature of adductor brevis dually innervated by the anterior and posterior branches of the obturator nerve in humans. *Okjimas Falia Anat Jpn* 1994 ;71:67-81.
14. Chummy S. Last anatomy (Regional and Applied). 10th ed, Churchill Livingstone, 1999, 158.
15. Birnbaum K, Prescher A, Hessler S , et al. The sensory innervation of the hip joint: an anatomical study. *Surg Radiol Anat* 1997;19:371-5.
16. Ali HS. Ectopic pregnancy presenting with obturator nerve pain. *J Accid Emerg Med* 1998;15:192-3.
17. Bouaziz H, Vial F, Jochum D, et al. An evaluation of the cutaneous distribution after obturator nerve block. *Anesth Analg* 2002 ;94:445-9.
18. Harvey G, Bell S. Obturator neuropathy: an anatomical perspective. *Clin Orthop* 1999 ;363:203-11.